

شرق روزنامه

نگاه

کالبدشکافی یک ذهن افراطی

مترجم: محمود رضا مراد

به اعتقاد پژوهشگران و روحانیون، طرحی را که دارالافتاء مصر تحت عنوان «کالبدشکافی یک ذهن افراطی» تهیه کرده است قصد دارد به منظور «بازسازی و بازپروری افراط‌گرایان» مباحثی را در بازنگری‌های فکری در داخل زندان‌های مصر به راه اندازد؛ مشابه همان تجربه‌ای که در دهه ۹۰ قرن گذشته در زندان‌های مصر پیاده شد و موجی از خشونت‌ها را در این کشور خاموش کرد یا به انزوا کشاند.
تهیه‌کنندگان این برنامه می‌گویند برخوردهای صرفاً امنیتی برای مقابله با خشونت‌های فزاینده در کشور کافی نیست. باید در کنار آن برخوردهای فکری خاصی وجود داشته باشد تا زندان‌ها را «تروریست‌پور» نکند. به‌همین‌منظور دارالافتاء مصر چند بروشور ارشادی تهیه کرده است که در آنها «تروریست‌ها» را دسته‌بندی و نحوه تکوین و تبدیل آنها به افرادی تروریست یا روی‌آوردنشان به خشونت را شرح می‌دهد. همچنین شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متناسب با رشد این عناصر را توضیح می‌دهد.

مصر از زمان برکناری محمد مرسی که وابسته به گروه اخوان المسلمین بود، درگیر نبردی سخت با گروه‌های تندروی اسلام‌گرا شده است. در این درگیری‌ها تاکنون صدها نفر از طرفداران اخوان المسلمین و هواداران این گروه کشته شده‌اند. هزاران نفر نیز به اتهام اقدام برای تظاهرات یا اعمال خشونت‌آمیز دیگر یا وابستگی به گروه‌های غیرقانونی بازداشت و به زندان افتاده‌اند.

گزارش‌ها نشان می‌دهد بسیاری از این افراد تفکراتی افراطی دارند. آنها این تفکرات را به‌دلیل احساس سست‌می که دارند یا ارتباطی که با نیروهای تندروی دیگر در داخل زندان‌ها پیدا کرده‌اند، یا مورد شکنجه و بدرفتاری واقع شده‌اند، به‌دست آورده‌اند.

برنامه «تالبد شکافی یک ذهنیت افراطی» فقط محدود به توضیح نحوه برخورد با زندانیان اسلام‌گرا نمی‌شود، بلکه هدفش به‌وجودآوردن سیستمی کامل برای برخورد با افراط‌گرایان به‌طور عام است تا نگذارد افرادی دیگر طعمه گروه‌های افراطی شوند.

ابراهیم نجم، مشاور مفتی جمهوری مصر، در گفت‌وگو با روتیزر در دفتر خودش در دارالافتاء می‌گوید: «تولیدات این برنامه که دارالافتاء مصر تهیه کرده، برای همه در داخل و خارج مفید خواهد بود». این برنامه قرار بود از جولای گذشته به شیوه یک سری گفت‌وگوهای فکری با زندانیان به اجرا گذاشته شود. به گفته نجم، «امیدواریم این مسئله سریع اتفاق بیفتد. امیدواریم حرکتی در این زمینه صورت گیرد». در این برنامه علاوه بر مقامات دارالافتاء مصر بعضی از پژوهشگران متخصص در امور حرکت‌های اسلامی، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و نیز رهبران سابق گروه جهاد اسلامی مشارکت دارند. برنامه آنها تشکیل نشست‌هایی برای بارش ذهنی مطابق آن چیزی است که در برنامه دارالافتاء آمده است.

در خلاصه این برنامه آمده است «هدف تهیه یک راهنمای ارشادی است که شیوه‌های تروریستی و مراحل نشو و نمای آنها و نحوه ورودشان به اعمال تروریستی را توضیح دهد. همچنین عوامل داخلی و خارجی سوق‌دهنده فرد به این سمت یا زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همراه با آن را شرح دهد».

نتایج این برنامه شامل «توصیه‌های عملی است که سیاست‌ها و اقدامات روشنی را در ارتباط با نحوه تعامل با افراط‌گرایی به‌لحاظ فردی و فکری و همه زمینه‌های تحول آن را توضیح می‌دهد و عوامل مؤثر در هر مرحله و پیامدهای آن را برمی‌شمارد. هدف از این کار مشخص‌کردن راه‌های مقابله با این تحولات و متوقف‌کردن آنها و نیز بازپروری کسانی است که به کارهای تروریستی روی می‌آورند». نجم می‌گوید: «ما همیشه گفته‌ایم برخورد‌های امنیتی کافی نیستند. باید برخورد‌های فکری در دو سطح انجام شود. یکی در سطح درمانی که به معنای همدردی با این افکار و تعامل با آنهاست. دیگری در سطح پیشگیری که عبارت باشد از تقویت شخصیت جوانان تا به چنگال افراط‌گرایی نیفتند». نجم انتظار دارد این دفترچه راهنما چند ماه دیگر منتشر شود. همچنین قرار است در لابه‌لای این برنامه یک کنفرانس بین‌المللی نیز برگزار شود تا از تجارب بین‌المللی در زمینه برخورد با افراط‌گرایی و افراط‌گرایان استفاده شود.

عنوان جوانی

نجم می‌گوید انگیزه اصلی طرح این برنامه سلسله‌حملاتی بود که گروه‌های افراطی در سال‌های اخیر در مصر انجام دادند. به‌خصوص انفجار انتحاری در کلیسای قبطی‌های مصر در قاهره که ۲۹ کشته در پی داشت و دانش مسئولیت آن را برعهده گرفت. نجم می‌گوید: ما در این حادثه خیلی تأمل کردیم. فردی ۲۳‌ساله در عنوان جوانی با این تصور که وارد بهشت می‌شود، خودش را در کلیسا منفجر کرده است. مقامات مصری گفتند عامل این حمله فردی به‌نام محمود شفیق، اهل روستایی در استان الفیوم، واقع در جنوب قاهره بوده است. او سال ۲۰۱۴ به‌مدت چند ماه به اتهام داشتن اسلحه و مشارکت در تظاهراتی به طرفداری از اخوان المسلمین، بازداشت شده بود. شفیق بعد از اینکه از زندان آزاد شد، برای مدتی مخفی ماند و هیچ خبری از او نبود تا زمانی که دست به آن عملیات زد. دارالافتاء در خلاصه برنامه خود گفته است: «عملیات حمله به کلیسای قبطی‌ها نشان داد آزادکردن کشور‌های اروپایی بازمی‌گردد». سازمان‌ها به حقوق‌بشره می‌گویند در داخل زندان‌های مصر، به‌خصوص از سوی پلیس، موارد نقض قانون زیادی صورت می‌گیرد اما دولت این اتهام‌ها را رد کرده و می‌گوید موارد یادشده کلی نیست و عاملان چنین اشتباهاتی را مجازات خواهد کرد.

تحرک فکری وبرخورد خوب

در دهه ۹۰ قرن گذشته زندان‌های مصر مملو از هزاران زندانی وابسته به جماعت اسلامی و سایر گروه‌های تندرو دیگر بود که در جریان درگیری‌های خشونت‌بار بین نیروهای امنیتی و این گروه‌ها بازداشت شده بودند. آن زمان مصر شاهد حملات متعددی از سوی این گروه‌ها به مقامات، نیروهای امنیتی و مناطق گردشگری بود.

ادامه در صفحه ۱۲

رزنه

نقش مهاجران درانتخابات آلمان

دولت‌های مدرن در سده بیست‌ویکم با دوگانه‌های متفاوتی مانند «امنیت و آزادی»، «ثبات و تغییر» و سرانجام «سلطه و دموکراسی» مواجهند. مشروعیت یا حقانیت سیاسی دولت‌های مدرن وامدار آرای مردم است. براساس قانون اساسی اغلب کشور‌های اروپایی «حاکمیت از آن مردم است» و دولت‌تها تنها به نمایندگی مردم زمام‌کشور را برای مدتی مشخص در دست دارند؛ اما «مردم» شامل چه شهروندانی می‌شود؟ در کشور آلمان یک نظام پارلمانی حاکم است. به این معنا که آرای مردم در انتخابات ترکیب پارلمان این کشور را معین می‌کند و آرای نمایندگان منتخب سرانجام صدراعظم را تعیین کرده و ترکیب دولت را رقم می‌زند. به‌همین‌علت انتخابات بوندستاگ (پارلمان فدرال) مهم‌ترین انتخابات در حیات سیاسی آلمان به شمار می‌آید.

این گزارش می‌کوشد، به ویژگی‌های مهاجران و مهاجرت‌باران در انتخابات آلمان بپردازد و رفتارهای سیاسی این‌گروه بزرگ را در انتخابات پارلمانی بررسی کند؛ اما برای تبیین درست موضوع توضیح دو مطلب در اینجا ضروری است؛ نخست آنکه منظور از مهاجر یا مهاجرت‌بار در اینجا افرادی است که به فاصله تنها یک یا دو نسل موفق به دریافت تابعیت کشور آلمان شده باشند. دوم آنکه افرادی که از مناطق آلمانی‌نشین – منضم‌شده به دیگر کشور‌ها- پس از پایان جنگی جهانی دوم به این کشور آمده‌اند و به‌عنوان «راندۀ‌شدگان» (Vertriebene) از آنان نام برده می‌شود. در‌زمره مهاجران به شمار نمی‌آیند.

بنا به آمارهای رسمی، آلمان حدود ۸۱ میلیون نفر جمعیت دارد که ازآن‌میان حدود ۱۶٫۵ میلیون نفر مهاجر هستند؛ یعنی حدود یک‌پنجم کل جمعیت آلمان. بنا به برخی ارزیابی‌های دیگر شمار مهاجران در آلمان بسیار بیش از رقم قبلی است و تا ۳۵ درصد نیز برآورد می‌شود. این تمایز آشکار به دلیل تعریف متفاوت از مفهوم مهاجر و مهاجرت‌بار است. حدود ۱۰ میلیون خارجی نیز در آلمان زندگی می‌کنند که البته به علت نداشتن تابعیت این کشور از شرکت در انتخابات پارلمانی آلمان محرومند.

گرایش اکثریت مهاجران به احزاب چپ

یک نظرسنجی که اواخر سال ۲۰۱۶ به وسیله مؤسسه «هم‌پوندی و مهاجرت» (SVR) به سفارش دولت آلمان انجام شده، نشان می‌دهد که اغلب مهاجران به احزاب «چپ» در آلمان تمایل دارند و کاندیداهای این احزاب را انتخاب می‌کنند. در این میان مهاجران ترک‌تبار انتخاب روشنی دارند. حدود ۷۰ درصد آنان به حزب سوسیال‌دموکرات آلمان رای می‌دهند. طبق این نظرسنجی احزاب دموکرات‌مسیحی و سوسیال‌مسیحی در مقابل نیمی از آرای مهاجران آلمانی‌تبار از کشور‌های اروپای شرقی را دارند. سوسیال‌دموکرات‌ها حدود ۱۱٫۵ درصد و حزب چپ آلمان حدود ۸٫۹ درصد آرای این مهاجران را در این نظرسنجی به دست آورده‌اند. باید افزود که بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ میزان حمایت این دسته از مهاجران از احزاب مسیحی آلمان بیش از ۶۵ درصد بود. مهاجرانی که از اروپای شرقی پس از سال ۲۰۰۰ به آلمان آمده‌اند، با ۲۳٫۳ درصد آرا همچنان احزاب مسیحی را برمی‌گزینند.

ادامه در صفحه ۱۲



عکس: رتوفه رستنی، شرق

بررسی استراتژی‌های داخلی و خارجی رئیس‌جمهوری آمریکا با حضور کوروش احمدی و امیرعلی ابوالفتح؛

احتمال استیضاح «دونالد ترامپ» دور از ذهن است

مریم جعفری

گفت و تصمیم‌گیرنده و تأثیرگذارترین فرد روی ترامپ است و البته متعاقب آن همسرش «جرد کوشنر» و دو نفر دیگر «گری کوهن»، مشاور اقتصادی رئیس‌جمهوری که وال‌استریتی است و خانم «دایانا پاول». این افراد، همان گروه هسته مرکزی کلوبولیت‌های ترامپیتی را تشکیل می‌دهند. این جدالی است که از سر قضیه شارلوتزیول خودش را نشان داد. آن گروه پوپولیست آرمان‌خواه می‌گوید که هویت برای ما مهم است و بعد از چند دهه چیزی به نام ایالات متحده سفیدپوست وجود ندارد و اگر کشوری بماند، کشوری رنگین‌پوست‌تبار و موزاییکی است؛ پس برای حفظ هویتمان از جریان راست هم حمایت می‌کنیم. اما گری کوهن به شدت به این سخنان واکنش نشان داد و گفت شما آرمان‌های آمریکا را از بین می‌برید و فاشیست را به وجود می‌آورید؛ در این تقابل، استیون بنن و سیاستن گورکا از دور خارج شدند. من معتقدم آقای ترامپ دلش با گروه اول و عقلش با گروه دوم است؛ یعنی ماهیت و کاراکتر شخصی، فردی و اجتماعی او نزدیک به افرادی است که خواهان تغییرات هستند و حس می‌کنند تشکیلات، تشکیلات فاسدی است؛ اما وقتی در مسند رئیس‌جمهوری می‌نشیند، با یک سری اقتضانات و الزامات مواجه می‌شود. بنابراین این حرکت پاندولی که بعضی اوقات در توییت‌ها و موضع‌گیری‌هایش به چشم می‌خورد، در حقیقت نشانگر جنگ و جدال جهانی است که در ترامپیست‌ها وجود دارد. در بعضی از اتفاق‌ها، گروه اول دست بالا را دارند و حرفشان را به کرسی می‌نشانند؛ مثل قضیه شارلوتزیول و در برخی موارد دیدگاه گروه دوم عملی می‌شود، مانند زمانی که ترامپ می‌گوید من از پیمان پاریس خارج می‌شوم اما بعد با بهانه‌های واهی مجبور می‌شود حرف خود را پس بگیرد یا زمان بخرد.

اما در نیمه دوم سال اول، شاهد دوران جدال بر سر بقا هستیم. انتخابات بعدی از نوامبر ۲۰۱۸ و از اول ژانویه فصل انتخاباتی آغاز می‌شود. در این مدت جدال بین جناح ریاست‌جمهوری حزب جمهوری‌خواه که نمایندگی آنها را آقای ترامپ در کاخ سفید برعهده دارد، با جناح جمهوری‌خواه کنگره وجود دارد که مجبور هستند متناسب با خواست و تمایلات رأی‌دهندگان موضوع‌گیری کنند که شانس پیروزی خود را افزایش دهند و کرسی خود را حفظ کنند که نمونه آن جدال بر سر قانون بیمه «اوپاماکر» بود که اختلاف بین جناح جمهوری‌خواه کنگره با ریاست‌جمهوری مانع حذف این قانون شد.

بنابراین در دوره شش‌ماهه بقا، از جناح تلاش می‌کند خودش را حفظ کند؛ درحالی‌که آقای ترامپی می‌داند تا سه سال دیگر در معرض آزمون قرار نمی‌گیرد و با دست بازتری به مطالبات پایگاه اجتماعی که به او رای دادند، پاسخ می‌دهد. بنابراین انتظار می‌رود در شش ماه آینده علاوه بر جدال تشکیلات و ضدتشکیلات و جدال بین ترامپیست‌ها نیز افزایش یابد.

🇺🇸
کوروش احمدی:
مجلس نمایندگان آمریکا با اختلاف ۴۴ نماینده جمهوری‌خواه اکنون دست بالا را دارد و در نتیجه تقریباً احتمال استیضاح صفر است.
استیضاح در لغت به معنای محاکمه و متهم‌کردن است و با توجه به این معنا بعید است کنگره جمهوری‌خواه دست به چنین اقدامی بزند
🇺🇸

ﻻ تا چه حد فکر می‌کنید این شکاف باعث شود ترامپ سرنوشتی مثل اندرو جانسون داشته باشد؟

امیرعلی ابوالفتح: این بحثی مفصل است و آقای دکتر هم می‌توانند توضیح بدهند. در ایالات متحده استیضاح شروعش با فرایند حقوقی و پایانش با فرایند سیاسی است. پس باید مستندات حقوقی ارائه و اعلام جرم شود. الان آقای ترامپ با شکایت حقوقی روبه‌رو نیست یا تحت تعقیب قضائی قرار نگرفته است. در پرونده روسیه نیز قرار است «رابرت مولر»، دادستان ویژه، ماهیت نامه اولیه برکناری «جیمز کومی» را بررسی کند و اگر نتیجه این باشد که ترامپ، جیمز کومی را برای پنهان‌کردن حقیقت عزل نکرده که هیچ، اما اگر نتیجه عکس آن باشد، اولین تلنگر برای ورود به فرایند استیضاح زده می‌شود که این تازه بعد سیاسی است. اما با توجه به اینکه حزب جمهوری‌خواه اکثریت کنگره را در دست دارد، خیلی دور از انتظار است که آنان به استیضاح تن بدهند. مگر اینکه در انتخابات ۲۰۱۸ دموکرات‌ها برنده شوند و اکثریت سنا را به دست بگیرند.

کوروش احمدی: مجلس نمایندگان آمریکا با اختلاف ۲۴ نماینده جمهوری‌خواه، اکنون دست بالا را دارد و در نتیجه تقریباً احتمال استیضاح صفر است. استیضاح در لغت به معنای محاکمه و متهم‌کردن است و با توجه به این معنا بعید است کنگره جمهوری‌خواه دست به چنین اقدامی بزند. یک نکته دیگر که آقای ابوالفتح نیز اشاره کردند؛ از زمان «هری تورمن» همواره مجلس نمایندگان حزب حاکمه ریاست‌جمهوری، اکثریت را به حزب رقیب باخته و این احتمال وجود دارد که این روند تاریخی دوباره تکرار شود و اکثریت کنگره در اختیار دموکرات‌ها قرار بگیرد. در صورت وقوع چنین رویدادی، دموکرات‌ها می‌توانند وارد فرایند استیضاح شوند. مسئله دیگر این است که چه اتهامی علیه ترامپ می‌توان مطرح کرد.

تنها هشت ماه از روی‌کارآمدنش در ایالات متحده می‌گذرد اما بسیاری بر این باورند که سخنان و اقدامات «دونالد ترامپ،» چهل وپنجمین رئیس‌جمهوری آمریکا، نه‌تنها باعث متحدشدن آمریکایی‌ها نشده است بلکه او کشور را به سمت دودستگی بیشتر سوق می‌دهد. او که با شعار «نخست آمریکا» توانست آرای بسیاری از شهروندان کشورش را به سمت خود جذب کند و به گزارش روزنامه «واشنگتن پست» در طول رقابت‌ها ۲۸۲ وعده انتخاباتی به شهروندانش داد، اکنون با موج انتقاده‌ها مواجه است و حتی برخی صحبت از استیضاح او می‌کنند تا شاید او نخستین رئیس‌جمهوری در تاریخ آمریکا باشد که با رای سنا قدرت را به معاون خود واگذار می‌کند. هرچند بسیاری از رسانه‌ها و دیپلمات‌های آمریکایی احتمال استیضاح ترامپ را بعید نمی‌دانند اما «کوروش احمدی» و «امیرعلی ابوالفتح»، کارشناسان آمریکای و روابط بین‌الملل، بر این باورند که در شرایط کنونی احتمال استیضاح‌شدن دونالد ترامپ امری دور از ذهن است چراکه کنگره جمهوری‌خواه تمایلی برای برکناری او ندارد؛ مگر اینکه در انتخابات آتی دموکرات‌ها بتوانند بار دیگر اکثریت کرسی‌های سنا و کنگره را در اختیار بگیرند.

ﻻ ترامپ در چند ماه اولیه با اتخاذ سیاست‌های هچانی، آمریکایی‌ها و جهان را بارها شگفت‌زده کرده است. به نظر شما سیاست‌های رئیس‌جمهوری آمریکا در داخل، این کشور را به کدام سو می‌برد؟

کوروش احمدی: اینکه ترامپ آمریکا را به چه سمتی می‌برد، عنوان کلی است. ترامپ اکنون با مشکلاتی مواجه است؛ از یک طرف دستور کار مشخصی دارد؛ یعنی همان قول‌هایی که در جریان انتخابات داده و فهرست آنان نیز مشهور و همیشه به آنها استناد کرده است. قصد ترامپ این است که آمریکا را در جهت آن چیزی پیش ببرد که در جریان انتخابات قولش را داده، اما اینکه او می‌تواند یا نه، خودش پرسش اصلی است. به طور خلاصه و برای مقدمه می‌توانم بگویم که ترامپ برای اینکه قول‌های انتخاباتی‌اش را محقق کند، در شرایط خوبی قرار ندارد. در همین هشت ماه چند قول انتخاباتی او مانند کشیدن دیوار در مرز مکزیک و خارج‌شدن از برجام، بیمه‌درمانی اوپاماکر و چند بحث دیگر با موانع جدی روبه‌رو شدند. همچنین جریان پوپولیستی راست افراطی که به اصطلاح طرفدار اصلی او در جریان انتخابات بود و «استیون بنن»، سخنگوی اصلی آن محسوب می‌شد، تقریباً از کاخ سفید و دولت حذف شدند. از سوی دیگر، نظرسنجی‌ها هم خیلی برای او خوشایند نیست؛ گروه اجتماعی اصلی یعنی سفیدپوست‌های یقه‌آبی یا سفیدپوست‌هایی که دانشگاه رفتند، دیگر مانند گذشته از ترامپ حمایت نمی‌کنند. این گروه در واقع هسته اصلی پایگاه اجتماعی رای ترامپ به‌شمار می‌رود که به نظر می‌رسد در حال ضعیف‌شدن هستند.

ﻻ اما ترامپ در حال ادامه‌دادن این سیاست‌هاست؛ چرا با وجود تمامی این موانع ترامپ همچنان در همان مسیر گذشته حرکت می‌کند؟

امیرعلی ابوالفتح: از فرمایشات آقای دکتر بسیار استفاده کردم. اما اجازه بدهید به عقب‌تر برگردم؛ بعضی از صحبت‌های من با فرمایشات آقای دکتر مطابقت می‌کند اما باید آنان را تکرار کرد. یک نوعی اغماض باید گفت ما در میانه سال اول ریاست آقای ترامپ هستیم و تقریباً هشت ماه از پشت سر گذاشتیم و حدوداً چند ماه نیز باقی است تا دولت ترامپ یک‌ساله شود. در شش، هفت ماه اول، جدال بر سر ترتیب بود؛ یعنی گروهی نوظهور در حاشیه قدرت به دلایل متعدد در انتخاباتی برنده شدند؛ این افراد برنده مردم آمریکا نیستند ولی به دلیل مکانیسم انتخاباتی در آمریکا درنهایت پیروز می‌شوند. این گروه در حال تثبیت موقعیتشان در برابر تشکیلات هستند. بنابراین در شش ماه نخست جدال میان سیستم و آنتی‌سیستم وجود داشت و همان‌طور که آقای دکتر اشاره کردند، افرادی مثل استیفن بنن و «سیاستین گورکا» و «استیون میلر» که جریان ضدتشکیلات بودند با ترامپ وارد میدان شدند. خود آقای ترامپ هم جزء تشکیلات بود. بنابراین بخشی از این منازعه و صف‌آرایی از سوی ترامپیست‌های ضدسیستمی است که با سیستم تقابل می‌کنند. اما در همین مدت ما شاهد نوعی جدال دیگر نیز هستیم؛ یعنی در کنار جدال بین ترامپیست‌ها و تشکیلات، جدال درون ترامپیست‌ها نیز وجود دارد. این جدال در یک ماه اخیر عمیق‌تر شده است، یک سری پوپولیست‌های آرمان‌خواه در آمریکا وجود دارند که به حکومت توده، بازگشت به آرمان‌های بنیادین انقلاب آمریکا و جمله معروف «آبراهام لینکن» که «حکومت مردم بر مردم برای مردم» و اینکه نخبگان عده‌ای آدم مفت‌خوار و رانت‌خوار فاسد هستند، اعتقاد دارند. اینها معتقدند حکومت باید به مردم برگردد. این افراد در واقع همان تیم استیون بنن هستند، البته به جز خود بنن که سنش بالاست، این گروه عموماً از جوانان، دانشجویان و طبقه فرو دست جامعه تشکیل شده که با خود ترامپ وارد تشکیلات شدند.

گروه دیگر که درون ترامپیست‌ها شکل گرفته، کلوبولیت‌های وال‌استریتی هستند. اینها می‌گویند ارزش‌های بنیادین جمهوری‌خواهی و مطالبات مردمی در جای خود مهم هستند اما قرار نیست انقلاب کنیم یا بنیادیم که تغییرات بنیادین ایجاد کنیم، بلکه به دنبال اصلاحات هستیم. این گروه همچنان به سیاست‌های گذشته و تشکیلات آمریکا پایبند هستند و خاستگاه و پایگاه آنها از محافل ثروت و قدرت سرچشمه می‌گیرد. گفته می‌شود اصلی‌ترین فرد در این گروه «ایوانکا ترامپ»، دختر رئیس‌جمهوری و مشاور اصلی اوست. شاید بشود